

زنان به عنوان فضا / زنان در فضا: بازیابی بدن و بازنویسی جنسیت در فضا

نویسنده: جانا نخال^۱

مترجم: نازیتا شاه اسماعیلی

بیروت سرزمینی با بازارهای جهانی و خریدارانی جهان وطن. ویتترین مغازه‌های خیابان حمرا، مغازه‌های کفش و لباس و فروشگاه‌های لوازم آرایشی و سالن‌های زیبایی و نیز لوازم خانگی، فضای خرید پر از رنگ صورتی و قرمز با طرح‌های گلدار را برای مشتریان زن، رقم زده‌اند. تجربه‌ی قدم زدن و استفاده از فضاهای عمومی پرده از وجود یک هویت فضایی مردانه/ زنانه برمی‌دارد که در مسیر تولید فضایی که خود را به صورت سرکوب‌گر، تقلیل دهنده و همگن ساز نشان داده به وضوح قابل رویت است.

ایده‌ی موجود در پشت طراحی این‌گونه فضاها (فضاهای نیمه عمومی) با استفاده از رنگ، جنس، طرح و اشیای به نمایش گذاشته شده در ویتترین مغازه‌ها زنان را یکسان ساخته و آنان را با عناوینی چون؛ یک گروه نوجوان عاشق رنگ صورتی، زنان کاسب و یا حتی بانوان جا افتاده معرفی می‌کند. در حالی که رنگ‌های سیاه و آبی، و نیز ظریف‌کاری‌های فلزی در فضاهای به اصطلاح مردانه یا زوایای خشک شهری، مردان تماماً آلفا^۲ را جذب خود می‌کنند. در زیر بنای چنین فضاهای به شدت جنسیتی، شبکه‌ای از سیستم پدرسالار وجود دارد که در آن پارادایم‌های طبقاتی و جنسیتی تماماً بازسازی شده است.

در این مقاله به مانیفست‌های مرتبط با فضای تحت سیطره‌ی دوگانه‌های جنسیتی با تمرکز بر هنجارهای رفتاری و فیزیکی خواهیم پرداخت که توسط مردان سفیدپوست ساخته و توسط محصولات فرهنگی احیا شده‌اند. همچنین، با بررسی فضاهای جنسیتی که توسط سیستم سرمایه‌داری شکل گرفته و با مشاهده‌ی مشارکتی و آنالیز استانداردهای انسان‌شناسی تقلیلی، به بحث درباره‌ی این‌گونه فضاها خواهیم پرداخت.

فضاهای مورد بحث ما، عمدتاً فضاهایی خصوصی و یا نیمه خصوصی هستند. فضاهای خصوصی به فضاهایی گفته می‌شود که در تملک اشخاص هستند. (خانه‌ی شخصی، بالکن‌ها، باغ‌ها، پشت‌بام‌ها، ماشین‌های شخصی و غیره). در مقابل، فضاهای عمومی غالباً در اختیار دولت‌ها هستند. خیابان‌های ساخته شده، پارک‌های عمومی، میادین، نمای بیرونی ساختمان‌ها، زمین‌های اشتراکی و سیستم حمل و نقل عمومی جزئی از فضاهای عمومی به حساب می‌آیند. همچنین فضاهایی را که در تملک اشخاص هستند اما توسط عموم مردم مورد استفاده قرار می‌گیرند، نیمه عمومی می‌دانیم. فضاهایی نظیر هتل‌ها، رستوران‌ها، کافه‌ها، سینماها، اماکن مذهبی و

¹: Jana Nakhal

^۲: یادداشت مترجم: گویا مردان آلفا در معنای سنتی خود، برجسته‌ترین، قوی‌ترین یا با اعتماد به نفس‌ترین فرد در گروه خود می‌باشند. نویسنده‌ی مقاله‌ی حاضر به چنین دسته‌بندی‌هایی اعتقاد ندارد و تنها برای ترسیم فضای تحت سیطره‌ی مردانی که طبق استانداردهای مرد سفید پوست اروپایی، مرد کامل دیده می‌شوند از این اصطلاح استفاده کرده‌است.

گورستان‌ها فضاهای نیمه‌خصوصی به حساب می‌آیند. (مارک آگه^۳ این فضاها را ناکجا تعبیر می‌کند). این فضاها به واسطه‌ی یکسان‌سازی نیازمندی‌ها و الگوهای مصرفی بوجود می‌آیند که استانداردسازی فضاهای معماری را ممکن می‌کند. پدیده‌ای که فضاهایی نامناسب برای ما می‌سازد. فضاهایی که به آن‌ها حس تعلق نداریم و نمی‌توانیم در آن‌ها تغییری ایجاد کنیم^۴. این‌گونه استانداردسازی نمی‌تواند موجب افزایش امنیت و ایمنی ما شود. از سوی دیگر اتمسفر حاکم بر چنین فضاهایی موجب پویایی قدرت و بازآفرینی ماهیت پدرسالارانه‌ی فضا می‌شود.

بنا بر تفاوتی که مفهوم حریم خصوصی در این سه فضا دارد (از آن‌جا که بر سر یک سری قوانین در هر یک از فضاهای توصیف شده به توافق رسیده‌ایم)، رابطه‌ی فضا- بدن باعث گسستن ساختارهای قدرتی می‌شود که آن‌ها را احاطه کرده و موجبات پدید آمدن سیستم پدرسالاری را فراهم می‌آورد.

در ابتدا، روزمرگی وجود دارد که امری است خودمانی و در عین حال کاربردی و شامل فعالیت‌های فردی و نیز خانوادگی می‌باشد. سپس امور مربوط به زندگی جمعی و یا شهروندی در مقیاسی وسیع‌تر و سرانجام رویدادهای اجتماعی با ماهیتی مشخص وجود دارند که توسط سه نوع قرارداد تعیین می‌شوند: قراردادهای محلی (در فضاهایی نظیر معابد، گورستان‌ها و غیره) جهانی (هتل‌ها فرودگاه‌ها و غیره) و در نهایت فضایی- اجتماعی.

فضاها جنسیت زده‌اند. هرچه بیشتر فضا محصول فرهنگ ما باشد، بازتاب بیشتری از درونی‌ترین خواسته‌هایمان به همراه ایدئولوژی‌های خودآگاه و یا ناخودآگاه در خود جای خواهد داد. مارتینا لائو^۵ می‌گوید: فضا و جنسیت هر دو نتیجه‌ی آنی فرآیند همیشگی اختیارات و ترتیباتی هستند که موجب شکل‌دهی و یا بازتولید ساختارها می‌شود. فضا و زمان هر دو با تاباندن هنجارهای اجتماعی به تجربه‌ی هر روزی زندگی مشابه یکدیگر عمل می‌کنند.^۷

سیستم سرمایه‌داری، با استفاده از نظام پدرسالاری، موازنه‌ی قدرت را برهم زده‌است و زنان را به لحاظ موقعیت اجتماعی ضعیف جلوه داده‌است. در نتیجه، قدرت در فضا بازتولید شده‌است. زنان تحت پارادایم‌های اقتصادی اجتماعی رام می‌شوند و فضاهایی چون خانه، خیابان، و کافه‌ها نیز به این امر دامن می‌زنند.

در تلاش برای درک چگونگی طراحی فضاهای مختص به زنان مصاحبه‌ای غیر رسمی با دانشجویان رشته طراحی و معماری یکی از دانشگاه‌های بیروت ترتیب دادیم. سوالات بیشتر بر روی اجزای فیزیکی این فضاها نظیر؛ شکل، طرح، رنگ و غیره به عنوان ویژگی‌هایی عمومی، متمرکز بودند.

به طرز شگفت‌آوری، در تمامی پاسخ‌ها بر ضرورت وجود مکان‌هایی با رنگ‌های زنده (به ویژه رنگ‌های گرم) و نیز استفاده از منحنی‌ها و اشکالی چون دایره که یادآور فضای درونی رحم و موجب حس صمیمیت می‌شوند، تاکید شده‌است. لسلی کانز وایزمن در مقدمه‌ی کتاب خود می‌گوید: زنان با ویژگی‌هایی نظیر مهرورزی،

^۳: AUGE, Marc. 1995, P.15

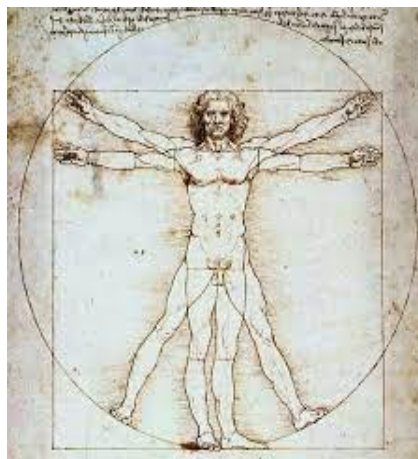
^۴: Ibid

^۵: Low Martina. 2006, p. 71

هم‌یاری، فردیت، عاطفه‌گرایی و تخیل به تصویر کشیده شده‌اند. این در حالی است که دنیای مردان، دنیای رویدادهای عمومی، فعالیت‌های معنادار و با عینیت و محل رقابت و امور همگانی ای است که با منطق، سروکار دارند.^۶

چنین تلاشی می‌تواند با تکیه بر نحوه‌ی استفاده و بهره‌برداری زنان از فضاها، فیزیکی، تحقیقات وسیع‌تری را در زمینه‌ی فضای زنانه ممکن کند و از طرف دیگر از تعمیم دادن این فضاها به همه‌ی زنان اجتناب شود. از طریق استنتاج به سه قیاس منطقی می‌رسیم: رابطه‌ی بین جنس (بدن زنانه) و کاربری، جنسیت (نیازمندی) و کاربری، و ارتباط بین انسان و درک فلسفی‌اش از فضا. همچنین این مبحث باید در نهایت به یک سوال پاسخ دهد: ما به عنوان موجوداتی دارای جنسیت، چگونه در فضاها وجود داریم؟

به اندازه‌گیری و قیاس استاندارد در خلق اشیا و فضاها که با مقیاس بدن انسان هماهنگ باشد، اندازه‌گیری آنترپومتریکی^۷ می‌گویند که استانداردهای آن طبق سنجه‌های بدن مردانه آن هم بدن مرد سفیدپوست اروپایی تعیین شده‌است. از مرد ویترووین^۸ لئوناردو داوینچی گرفته تا مرد مدولار^۹ که توسط لوکوربوزیه^{۱۰} ابداع شده‌است، مرد نقطه‌ی کانونی مطالعات و در واقع تنها گونه‌ی انسانی مورد مطالعه بوده و بنابراین انسان بودگی به مرد آریایی بودن تقلیل می‌یابد. مطالعه‌ی چنین مدل‌هایی وجوه یکسانی را برای ما در ارتباط با بدن انسان آشکار می‌سازد و فی الواقع بدن انسان را باز تعریف می‌کند: بدن مردانه‌ی سالم، و مطابق با میانگین مردان اروپایی. این سنجه سپس الزام وجود چنین بدن غیرقابل تغییری را به فضا تحمیل کرد. بدین صورت فضای ما ظرفی فیزیکی برای جای دادن چنین بدن‌هایی است. هرچیز که در خارج از مختصات بدن استاندارد قرار می‌گیرد، یا در فضایی بزرگتر از ابعاد بدنی خود، معلق است یا توسط چهارچوب‌های محیطی این فضا درهم می‌شکند.



مرد ویترووین. ترسیم شده توسط لئوناردو داوینچی

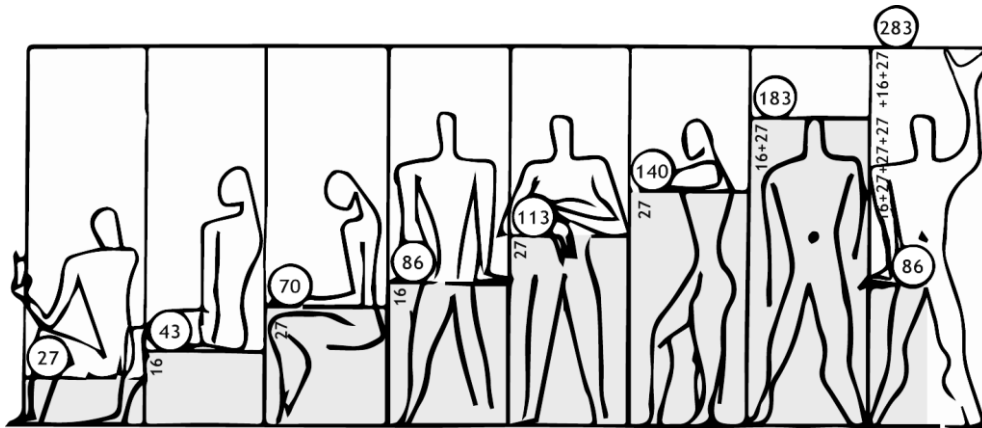
^۶: Ibid.

^۷: Anthropomorphic Measurements

^۸: Vitruvius

^۹: Modulor

^{۱۰}: Le Corbusier



مرد مدولار. طراحی شده توسط لو کوربوزیه

لو می گوید: کلیت همگن، در جوامع مدرن وجود دارد تا:

بیگانه، دیگری، و متفاوت را در خود جای دهد. حذف ناهمگن از روزمرگی در تشکیل حکومت‌های تک ملیتی، ساخت جوامع همگن، و هویت‌هایی یک‌پارچه و بدن‌های یک شکل شده، به وضوح مشخص است. امری که تفکر ما نسبت به فضا را شکل می‌دهد.^{۱۱}

متعاقباً، می‌بینیم که واحدهای مسکونی (فضای خصوصی)، خیابان‌ها (فضای عمومی)، و کافه‌ها (نیمه عمومی) نمی‌توانند جوابگوی نیازهای زنان و همچنین مردانی باشند که مطابق با استانداردهای تعریف شده‌ی مردانه نیستند.^{۱۲} می‌توان به طور مثال از ارتفاع سینک‌های شستشو و کابین‌های بالایی در آشپزخانه‌ها، اندازه‌ی تخت‌خواب‌ها، محل قرارگیری دستگیره‌ی درساختمان‌ها و فروشگاه‌ها و نیز ارتفاع پایه‌ی صندلی‌ها و چهارپایه‌ها در کافه‌ها و یا بارها نام برد.

در نتیجه، نه تنها کارایی چنین اجسام و فضاهایی کاهش می‌یابد، بلکه به رام شدن بدن زنانه (و مردانه‌ی غیر استاندارد) به عنوان بدن‌هایی موجود در فضاهای مذکور، می‌انجامد. بدن‌ها انکار می‌شوند و حق حضورشان به شکل پویا و یا حتی منفعلانه، نادیده گرفته می‌شود و همواره با تاکید بر نقصانشان، عدم انطباق آنان با جسم‌های پذیرفته شده در فضا، یادآوری می‌شود. بدین صورت بدن زنانه، نسبت به همتای مردانه‌اش نامتناسب و کمتر توسعه یافته تصور می‌شود.

از آنجا که خصائل قلدیرمآبانه‌ی نرینه ارجحیت دارند، زنان و مردانی که حامل چنین خصیلت‌هایی نیستند، در فضاها نادیده گرفته شده و یا حداقل نیازمندی‌هایشان انکار می‌شود. با یکسان انگاری یا تقلیل نیازهای زنان و مردانی که با هنجارهای جامعه‌ی پدرسالار هم‌خوانی ندارند، این افراد به امنیت و ایمنی بیشتری در فضاهای خصوصی و عمومی نیاز دارند. به طور مشخص، خیابان‌هایی با روشنایی اندک، پیاده‌روها، تونل‌ها، پل‌ها و یا فضای زیر پل‌ها که فضاهای عادی در شهرسازی محسوب می‌شوند و موجب کاهش مشکلات حمل و نقل می‌شوند، برای این طرد شدگان در گروه‌های سنی مختلف، بسیار مخاطره آمیز جلوه می‌کنند. انباشت

^{۱۱}: Löw, Martina. 2006, p.18

^{۱۲}: Non-conforming to the white male proportions

شهرک‌های مسکونی بدون بالابر با راهروهای تنگ و تاریک، ممکن است مشکل مسکن را تا حدودی حل کند. اما برای زنان فضاهایی با امکان آزار جنسی را فراهم می‌آورد و از آنجا که مادران و یا اکثر پرستاران خانگی کودکان زنان هستند، این راه‌حل برای آنان کم‌کاربرد است.

همچنین هویت‌های جنسی و جنسیتی ما در فضای پیرامون، موجب به آگاهی رسیدن نسبت به ارتباط بین بدن و فضا در معنای سیاسی آن می‌شود. مارتین هایدگر، در مقاله‌ی خود با عنوان *انسان شاعرانه سکنی* می‌کند^{۱۳}، می‌گوید که فضا تنها ظرفی است که انسان در خارج از بدن خود می‌شناسد و ما هرگز نمی‌توانیم بدون و یا خارج از آن زندگی کنیم. در واقع خارج از بدن ما تنها فضای موجود و بنابراین ارتباطی که حاصل می‌شود، اتصالی ذاتی نسبت به فضا است^{۱۴}. در عربی معادل واژه‌هایی چون فضا: ^{۱۵} مکان، بودن: ^{۱۶} یکون و هستی: ^{۱۷} کون می‌باشند که تمامی این کلمات از ریشه‌ی *کن* به معنی وجود داشتن و بودن اشتقاق یافته‌اند. بنابراین، به لحاظ معنایی، بین بودن و وجود داشتن در فضایی در هستی، ارتباط وجود دارد. از آنجا که جنسیت در فضا ساخته می‌شود، وجود ما ذاتاً مرتبط است با برساختی اجتماعی (یعنی جنسیت) که دائماً به ما گوشزد می‌کند چه باید باشیم. به بیان دیگر در شرایط فعلی از طریق فضا، موجودیت ما به شدت تحت کنترل جنسیت ما در می‌آید.

توجه به مفهوم فرهنگی زن به مثابه فضا، که در فرهنگ مدرن و کلاسیک تکرار شده است، خالی از لطف نیست. امری که در ادبیات، نقاشی، و موسیقی عامه‌پسند و شعر شعرای مشهور عرب چون، نزار قبانی و محمود درویش نیز قابل رویت است^{۱۸}. در اشعار این شاعران، زن معشوقه ایست که آغوشش، مرد را دربر می‌گیرد. او پذیرنده‌ی بدن مرد است. آغوشش او را احاطه می‌کند. دستانش ملت مرد است و نقشش آرامشگاه بودن برای او. زن رحم، آغوش و سرزمین است و شاید هم فضایی برای تعاملات احساسی. تا زمانی که او خود فضا باشد، در فضایی که پیوسته تحت اختیار مردان پرسه‌زن است، فراموش می‌شود. او در فضا ناموجود است. باید بپذیریم که چه به لحاظ سهم فیزیکی از فضا و چه به لحاظ بهره اجتماعی از فضا، اینچنین است. حضور بدن زنانه تنها

13: Poetically Man Dwells

14: Heidegger, Martin. 1951, p.17

15: Space

16: To be

17: Universe

^{۱۸} آنجا که نزار قبانی می‌گوید (ترجمه‌ی اشعار از عربی توسط مترجم مقاله‌ی حاضر صورت گرفته است):

معشوق من، می‌دانی چه مرا شاد می‌کند؟ آن‌که در باغچه‌ی مژگان، چون گنجشکی ترسان، پناه گیرم. تو نخستین بانوی منی، نخستین زهدان. نجات غریق من به هنگام طغیان. دست چپت را به من ده تا در آن پنهان شوم و راست را که در آن آرام گیرم. و یا درویش که می‌گوید:

من بر در بارگاه سایه‌ی چشمانت رسیدم... آمدم. تو خانه و تبعیدگاه منی... تو. تو سرزمین منی و نابودگر من... تو. تو سرزمین منی و مرا به عرش می‌بری

یا هنگامی که می‌گوید:

ای خاک و آسمان من با آن قلب سبزت. جزر دریای عشق، درونت طغیان ست. من آن کودک عشق توام. در آغوش توست که می‌بالم.

در فضاهایی تحمل می‌شود که قوانین وضع شده‌ی اجتماعی با حساسیت ویژه‌ای دنبال شوند: فضاهایی نظیر آشپزخانه، سرویس‌های بهداشتی عمومی، محل تعویض کهنه‌ی نوزادان در مراکز رفاهی و مراکز خرید زنانه.

به جز این فضاها، اندک فضاهای دیگری اعم از خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی، وجود دارند که به حضور بدن زنانه هنگام ساختنشان، توجهی نشان داده شده باشد. سنگفرش‌ها مثالی واضح از نادیده گرفتن بدن زنانه در ساخت فضاهای ما است. سنگفرش‌ها عمدتاً مصالحی قطور و ارزان به حساب می‌آیند که در فرش کردن پیاده‌روها و دیگر سطوح کاربرد دارند. با وجود اینکه خیابان‌های متعددی در بیروت سنگفرش شده‌اند، اما بدیهی است که سنگفرش‌ها دشمن قسم خورده‌ی زنانی با کفش‌های پاشنه بلندند.

وجه دیگری از فضاهای جنسیت‌زده در دوگانه‌ی خصوصی عمومی و مولفه‌های مرتبط با این دو فضا نمود پیدا می‌کند. ستا. ام. لو^{۱۹} درباره پارادایم‌های وابسته به فضاهای جداگانه سخن می‌گوید که تحت تاثیر سیستم پدرسالار سرمایه‌داری عینیت می‌پذیرند. مفهومی که به عنوان سیستمی طبقاتی و تقابل‌گرایانه تعریف می‌شود و فضای شهری را به عنوان قلمروی مردانه‌ی تولید و خانه را به عنوان فضای خصوصی زادآوری معرفی می‌کند. تقسیم‌بندی‌ای که بنا به دیدگاه فمینیستی لو، می‌تواند با بازتولید تقابل دوگانه‌ای که سلسله مراتبی است، ایجاد مشکل کند.

هرچند وجود چنین تقسیم بندی طبقاتی، جای تعجب ندارد. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که نقش‌های جنسیتی تحت تاثیر سیستم سرمایه‌داری پدرسالار از همان ابتدا، به ما دیکته می‌شود. فضاهای جنسیت زده با فرامین نظام سرمایه‌داری پدرسالار، موجودیت ما را به عنوان یک فرد تحت کنترل خود در می‌آورند.

به محض آن که نسبت به تاثیر فضا بر زندگی و نقش استثماری آن بر رفتار و درک بدن خود آگاه شدیم، می‌بایست مقاومت بر علیه چنین فضا‌مندی جنسیت زده‌ای شکل گیرد. این مقاومت در دو سطح امکان پذیر است. ابتدا بدنمان را بازیابی نموده و سپس جنسیت را در فضا بازتعریف کنیم. از آن‌جا که تولید فضاها به دست گفتمان قدرت حاکم صورت می‌گیرد که همان سیستم مردسالار سرمایه‌داری است، باید در وهله‌ی اول بگوییم که چنین مجاهدتی تنها در صورتی به ثمر می‌نشیند که تولید فضاها به دست توده‌ها/ کاربران انجام گیرد.

مراحل متعددی در راه رسیدن به مفهوم فضا در سطوح مختلف انسانی و یا اجتماعی نیاز است. باید فضاها را با الگویی به لحاظ فیزیکی پویا و یا ایستا، به بدن‌هایمان ربط دهیم. زنان و مردان در کشورهای جهان سوم می‌باید، مکان‌هایی را تولید کنند که به جای بازتولید استانداردهای مناسب با یک فرم و جنسیت، به نیاز بدن‌ها به تناسب، پاسخ دهند. اندازه‌ی اعضای بدن ما بسیار متفاوت با استانداردهایی است که در کتاب‌های ساخت و ساز، طبق نیازهای مرد سفید پوست اروپایی معرفی شده‌اند. باید بتوانیم استانداردهایی بومی و شخصی ارائه دهیم که بر اساس تناسب و اندازه‌های متفاوت ما تعیین شده‌اند.

¹⁹ : Low, Setha M. 2003, P.4

سپس به بازتعریف جنسیت در فضا می‌پردازیم. از آنجا که نحوه‌ی فعالیت ما در فضاها به لحاظ فیزیکی، توسط چهارچوب‌های فیزیکی مشخص شده‌ی سازنده‌ها تعیین می‌شود، حال سوالی که مطرح می‌شود این است: ما چگونه می‌توانیم در فضای موجود فعالیت کرده و در آن تغییراتی برپایه‌ی انتظارات جنسیتی اعمال کنیم؟ هر دو سطح در حوزه‌های خصوصی، عمومی، و نیمه خصوصی مطرح می‌شوند و در تجربیات روزانه‌ی ما از فضای عمومی که باید فضای امنیت و وقت‌گذرانی ما باشد و فضاهای نیمه عمومی که برای نیازهای متغیر ما طراحی شده‌اند، قابل مشاهده هستند.

از آنجا که تاثیر فضا بر بدن امری ناخودآگاه است، جنسیت زدگی فضاها به ندرت درک می‌شود. وایزمن این تاثیر ناخودآگاه را با در نظر گرفتن فضا به عنوان ابزار قدرت، توضیح می‌دهد. او به بررسی عمل سیاسی در تخصیص و استفاده از فضا پرداخته و می‌گوید: فضا از آنجا اهمیت می‌یابد که قدرت محدود کردن و کنترل ما را داراست. لازم است با توجه بیشتر نسبت به ایجاد و طراحی فضاها، پاسخگوی نیاز زنان شویم.^{۲۰}

در حال حاضر تولید فضا به دست نظام سرمایه داری پدرسالار انجام می‌پذیرد. بنابراین خواه یا ناخواه، تولید فضاهای خصوصی، عمومی، و یا نیمه عمومی با تقلید از نحوه‌ی تولید فضای سیستم موجود، انجام می‌پذیرد. حتی جنسیت نیز امری است که توسط فضا به ما تحمیل می‌شود. بدین شکل، کیفیت فضاها توسط سیستم حاکم تعیین و بدن، ذهن و حتی سلايق ما را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. تنها با شکستن خط مشی‌ها القا شده توسط سیستم حاکم می‌توانیم ابزار دیگری از نظام سرمایه‌داری و پدرسالار را در هم شکنیم.

منابع

Auge, Marc. Non-Places. Introduction to an Anthropology of Super modernity. Verso, 1 Jan. 1995. Web. 15 Mar. 2015.

[http://www.acsu.buffalo.edu/~jread2/Auge Non places. pdf](http://www.acsu.buffalo.edu/~jread2/Auge%20Non%20places.pdf) (link is external)

Darwish, Mahmoud. "Diwan al Sha'ir: Mahmoud Darwish." Adab Arabic Poetry. www.adab.com/mahmoud.darwish(link is external)

Heidegger, Martin. Poetically Man Dwells Poetry, Language, Thought. New York: Harper and Row, 1951. Print.

KanesWeisman, Leslie. Prologue. Gender Space Architecture: An Interdisciplinary Introduction. Ed. Jane Rendell, Barbara Penner, and Iain Borden. New York: Routledge, 2003.

^{۲۰}: Kanes Weisman, Leslie. 2003, P. 7

Löw, Martina. The Social Construction of Space and Gender. European Journal of Women's Studies Copyright. SAGE Publications, 1 Jan. 2006. Web. 3 Apr. 2015. http://www.postcolonialeurope.net/uploads/Low, Martina_119.pdf (link is external)

Low, Setha M. Embodied Space(s): Anthropological Theories of Body, Space, and Culture. Sage, 1 Feb. 2003. Web. 5 March 2015. http://blog.lib.umn.edu/willow/estudio_seminar/sethalow-embodiedSpaces.Pdf (link is external)

Rendell, Jane. "Introduction: 'Gender, Space'". Gender Space Architecture: An Interdisciplinary Introduction. Ed. Jane Rendell, Barbara Penner, and Iain Borden. New York: Routledge, 2003.

Qabbani, Nizar. Diwan al-Sha'ir: Nizar Qabbani. Adab Arabic Poetry www.adab.com/nizar.qabbani (link is external)

Unlimited Love. Trans. Faisal. Transparent Language. <http://blogs.transparent.com/arabic/nizar-qabbani-unlimited-love-part-ii/>

متن حاضر ترجمه‌ای است از:

Jana Nakhal. "Women as Space/Women in Space: Relocating our Bodies and Rewriting Gender in Space". Kohl: A Journal for Body and Gender Research Vol. 1 No. 1 (2015): pp. 15-22. (Last accessed on 09 September 2022)